

ارزیابی کارآمدی آموزش مبتنی بر حل مسئله بر انطباق والدینی، سبک های فرزند پروری و ساماندهی هیجانی در مادران دارای فرزندان خردسال پرخاشگر

شهربانو دهرویه^۱

سارا طلائیان^۲

سیده سلاله میریان آکندی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۱

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر ارزیابی کارآمدی آموزش مبتنی بر حل مسئله بر انطباق والدینی، سبک های فرزند پروری و ساماندهی هیجانی مادران دارای کودکان پرخاشگر در مقطع پیش دبستان بود. این پژوهش با روش نیمه آزمایشی با پیش آزمون - پس آزمون و با گروه کنترل اجرا شد. جامعه آماری این پژوهش متشکل بود از کلیه مادران کودکان قبل سن دبستان شهر بابلسر که با استفاده از پرسشنامه پرخاشگری کودکان پیش دبستانی رفتار پرخاشگرانه دارند، بود. در این پژوهش تعداد افراد نمونه برای هر یک از گروه های آزمایش و گروه کنترل ۱۷ نفر و در مجموع ۳۴ نفر با توجه به طرح پژوهشی (نیمه-آزمایشی) بصورت در دسترس و از بین داوطلبان و با توجه به ملاک های ورود و خروج نمونه انتخاب و بصورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل در نظر گرفته شد. جهت گردآوری اطلاعات از پرسشنامه های تنظیم شناختی هیجان، سبک های والدگری، پذیرش والدینی و پرخاشگری استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل داده ها نشان داد که آموزش حل مسئله بر تنظیم شناختی هیجان مادران دارای کودکان پرخاشگر به میزان $0/31$ واحد ($p < 0/01$) و بر کاهش سطح سرکوبی مادران دارای کودکان پرخاشگر به میزان $0/25$ واحد تاثیر دارد. همچنین، آموزش حل مسئله بر سبک های فرزندپروری مادران دارای کودکان پرخاشگر به میزان $0/28$ واحد ($p < 0/05$) و بر بهبود سطح پذیرش والدینی مادران دارای کودکان پرخاشگر به میزان $0/32$ واحد تاثیر دارد ($p < 0/01$). آموزش حل مسئله به مادران کمک می کند تا مهارت های لازم برای شناسایی، ارزیابی و حل مسائل را به شیوه ای منطقی و مؤثر توسعه دهند. این فرآیند، به نوبه خود، به مادران امکان می دهد تا به شکلی مؤثرتر با چالش های پیش آمده، از جمله رفتارهای پرخاشگرانه فرزندان، مقابله کنند.

کلید واژه ها: آموزش حل مسئله، سبک های فرزندپروری، ساماندهی هیجانی، کودکان پرخاشگر

^۱ استادیار، گروه روانشناسی، مؤسسه آموزش عالی ادیب مازندران، ساری، ایران (نویسنده مسئول) fateme.dehroye@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد روانشناسی، مؤسسه آموزش عالی ادیب مازندران، ساری، ایران

^۳ گروه روانشناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

مقدمه

کودکان، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نزدیک به نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند. سلامت کودکان و نوجوانان، به ویژه از نظر بهداشت روانی، نقش کلیدی در توسعه سلامت جسمی و روانی آن‌ها و ایفای نقش مؤثر اجتماعی آن‌ها دارد. مشکلات رفتاری در کودکان، که می‌تواند شامل پرخاشگری، بی‌فعالی، اضطراب، افسردگی، ناسازگاری اجتماعی و رفتارهای ضداجتماعی باشد، معمولاً در سال‌های ابتدایی دوران تحصیلی آغاز می‌شود و تا سنین نوجوانی ادامه می‌یابد. این رفتارها تأثیر منفی بر عملکرد تحصیلی کودکان و نوجوانان دارد و می‌تواند زمینه‌ساز بیماری‌های روانی، سوء مصرف مواد، فعالیت‌های بزهکارانه و مشکلات یادگیری شود. رفتارهای پرخاشگرانه یکی از مشکلات رفتاری کودکان محسوب می‌شود که نه تنها برای خود آن‌ها بلکه برای جامعه و متخصصان بهداشت روانی چالش برانگیز است. شیوع پرخاشگری حدود ۳۰ تا ۵۰ درصد در کودکان و نوجوانان گزارش شده‌است. پرخاشگری یکی از مهم‌ترین دلایل ارجاع کودکان به مراکز روان‌درمانی و مشاوره است و در صورت عدم بهبود و یا شدیدتر شدن می‌تواند منجر به بروز مشکلات ارتباطی و اختلال‌های شخصیتی در بزرگسالی گردد (Freisthler et al., 2022). در این راستا پرورش و تربیت کودکان دارای مشکلات رفتاری نظیر پرخاشگری، می‌تواند چالش برانگیز و خسته‌کننده باشد. در مواجهه با این کودکان، روش‌های تربیتی متداول مانند استدلال و آگاه‌سازی معمولاً کارآمد نیستند. در نتیجه، والدین این کودکان اغلب احساس ناتوانی می‌کنند و ممکن است به روش‌هایی مانند تنبیه فیزیکی یا تمسخر متوسل شوند که این رفتارها می‌تواند به آشفتگی، خشم و اضطراب در خانواده منجر شود. در واقع زندگی با کودک دارای مشکلات رفتاری می‌تواند به عنوان یک عامل استرس‌زا برای خانواده تلقی شود و تأثیرات گسترده‌ای بر تمام جوانب ساختار خانوادگی بگذارد. مادران به دلیل ارتباط نزدیک‌تر با کودکان، ممکن است بیش از سایر اعضای خانواده تحت تأثیر این شرایط قرار گیرند. این وضعیت نیاز به توجه و حمایت ویژه روانی و اجتماعی برای کودکان و خانواده‌های آن‌ها را نشان می‌دهد، تا از طریق روش‌های مؤثرتر تربیتی و روان‌درمانی شرایط این خانواده‌ها بهبود یابد (Boustani et al., 2019). یکی از مسائلی که در مادران دارای کودکان پرخاشگر اهمیت زیادی دارد، پذیرش والدینی است. پذیرش والدینی؛ به معنای گرمی، عاطفه، مواظبت، دلداری، تغذیه، حمایت و خلوص محبتی است که والدین می‌توانند نسبت به فرزندان‌شان احساس و بیان کنند. قطب پذیرش با محبت، عشق، مراقبت، آسایش، حمایت و دیگر تظاهرات مثبت مشخص می‌گردند. پذیرش کلامی^۱ شامل تشویق، تعریف و گفتن حرف‌های خوشایند، و پذیرش فیزیکی^۲ شامل بوسیدن، بغل کردن، نوازش

1. parental acceptance

2. Verbal acceptance

3. Physical acceptance

کردن و غیره می‌باشد (Rohner & Khaleque, 2018). همچنین سبک‌های فرزندپروری یکی از متغیرهایی است، که در این مادران اهمیت زیادی دارد. سبک‌های فرزندپروری^۱ به عنوان مجموعه‌ای از رفتارها در نظر گرفته می‌شود که تعاملات والد - فرزند را در طول دامنه گسترده‌ای از موقعیت‌ها توصیف می‌نماید. سبک‌های فرزندپروری رفتارهای مشخص والدین نامیده می‌شود، که به طور مجزا و در ارتباط با یکدیگر بر پیامدهای تحولی کودک تأثیر دارند و میزان پاسخگو بودن و مطالبه‌گر بودن والدین را دربرمی‌گیرد (Yaqoubi Doost & Enayat, 2018). تنظیم شناختی هیجان نیز فرآیندی است که توسط آن، افراد هیجان‌های خود و چگونگی تجربه یا ابراز آن‌ها را تحت نفوذ خود قرار می‌دهند. در واقع، تنظیم شناختی هیجان^۲ به‌عنوان فرآیند آغاز، حفظ، تعدیل^۳ یا تغییر در بروز، شدت یا استمرار احساس درونی و هیجان مرتبط با فرآیندهای اجتماعی - روانی و فیزیکی در به انجام رساندن اهداف فرد تعریف می‌شود، همچنین تنظیم شناختی هیجان در مدیریت هیجان‌ها نقش اساسی ایفاء می‌کند (Thompson, 2017). آموزش حل مسئله، یکی از مداخلاتی است که می‌تواند به بهبود وضعیت روانی مادران دارای کودکان پرخاشگر کمک کند. آموزش حل مسئله^۴ یک رویکرد شناختی-رفتاری است که به افراد کمک می‌کند تا گزینه‌های مختلف و بالقوه را برای مقابله با چالش‌ها و مسائل دشوار زندگی شناسایی کنند. این رویکرد بر افزایش آگاهی افراد از ارتباط بین تجربه‌های ناراحت‌کننده روانشناختی و مشکلات گوناگون زندگی تأکید دارد و به آن‌ها کمک می‌کند تا از مهارت‌های شناختی خود برای رویارویی و مدیریت موقعیت‌های مشکل‌آفرین بهره ببرند. در این رویکرد، افراد یاد می‌گیرند که چگونه مسائل را در یک چهارچوب ساختاریافته ارزیابی کرده و تشخیص دهند که بسیاری از مشکلات بالقوه فرصت‌هایی برای چالش و رشد هستند (Tayari et al., 2022). درواقع آموزش حل مسئله به عنوان یک فرآیند شناختی-رفتاری، گزینه‌های گوناگون و بالقوه‌ای را برای مقابله با چالش‌ها و مسائل مشکل‌آفرین فراهم می‌کند و به افراد کمک می‌کند تا بهترین و مؤثرترین راه‌حل‌ها را انتخاب کنند. این آموزش توانایی افراد را در زمینه‌های گوناگون مانند مهارت‌های فنی، اجتماعی، شناختی، مدیریتی، تحقیقی و آموزشی افزایش می‌دهد (Seidi et al., 2022).

کودکان پرخاشگر^۵ ممکن است به دلیل مشکلاتی مانند بیش‌فعالی، عدم توانایی در تنظیم هیجانی، اضطراب، افسردگی یا سایر مشکلات رفتاری خاص دیگر، به رفتار خشونت‌آمیز و ناامن روی آورند. این مشکلات می‌توانند نوعی تنش و فشار روانی برای مادران به وجود آورده و آن‌ها را از ارتباط

1. parenting style

2. Cognitive emotion regulation skill

3. modification

4. problem solving training

5. aggressive

سالم با فرزندانشان دور کنند(Poshtiban,2023). به علاوه، مادران دارای کودکان پرخاشگر ممکن است با احساسات ناراحتی، عدم اعتماد به نفس و نارضایتی درباره عملکرد خود در تربیت کودکان خود رو به رو شوند. این مشکلات ممکن است باعث ایجاد فشار و تنش روانی برای آنها شود و به مشکلاتی مانند افسردگی یا اضطراب منجر شود(Kho et al.,2022). برخی از ویژگی های منفی والدگری مانند الگوهای والدگری نامناسب، به کارگیری روش های تربیتی سخت گیرانه و پایین بودن سطح روابط همدلانه دوسویه میان والدین و فرزندان می تواند سبب افزایش استرس والدین و پرخاشگری فرزندان شود(Rosenkrantz et al.,2020). پذیرش والدینی، به مجموعه ای از رویکردها و روش هایی گفته می شود که برای ارتقای سطح رابطه والدین و فرزندان در طول دوران کودکی و نوجوانی مورد استفاده قرار می گیرد(Lorijn et al.,2022). این رویکردها و روش ها بر پایه دانش روانشناختی و ارتباط شناسی ساخته شده اند و هدفشان افزایش شناخت والدین از نیازها و مسائل روانی و رفتاری فرزندان، تقویت مهارت های والدینی و بهبود رابطه والدین و فرزندان است. این روش ها شامل مواردی مانند مهارت های ارتباطی، مدیریت خشم و استرس، تربیت مثبت، تقویت رفتارهای مثبت و کاهش رفتارهای منفی و ناسازگار فرزندان است (Bodden & Matthijssen,2021). در روابط همراه با پذیرش و بدون استرس کودکان نسبت به ارزش خود دلگرم می شوند و می توانند احساسات خود را بیان کنند و در جهت خودشکوفایی گام بردارند. پذیرش والدینی به کودک کمک می کند تا بیاموزد که می تواند روی حمایت و کمک دیگران در زندگی حساب کند(Zeringue et al.,2021). همچنین کسب درک و پذیرشی مناسب از رفتار کودکان می تواند پیش بینی کننده همدلی والدین با کودک و ادراک درست آنها از مشکلات رفتاری کودکان باشد. افزایش پذیرش والدینی و درک کودک از مورد پذیرش بودن رابطه با والدین می تواند تاثیری بسزا بر کاهش مشکلات رفتاری همچون پرخاشگری کودکان داشته باشد(Rohner & Melendez,2019). همانطور که در پژوهش های(Gallarín et al.,2021) نقش والدین و پذیرش والدینی در پرخاشگری نوجوانان را بررسی و تایید کردند. (Lestari et al.,2022) رابطه بین نقش والدین و رفتارهای پرخاشگرانه کلامی آنها را در پرخاشگری نوجوانان تایید کردند. سبک های فرزند پروری، به ترکیبی از نگرش ها، ارزش ها، باورها و رویکرد های کلی اشاره دارد که والدین برای پرورش کودکان و اجتماعی شدن از آن بهره می گیرند تا محیطی عاطفی را برای رشد کودک فراهم کنند(Kho et al.,2022). روانشناسان همواره مطرح کرده اند که کیفیت سبک های فرزند پروری برای فرزندان مهم تر از مدت زمانی است که والدین برای فرزندان می گذارند (Hamid & Ahmad Shah,2018). امروزه در روانشناسی، چهار سبک فرزند پروری به رسمیت شناخته شده است که عبارتند از: فرزند پروری آمرانه؛ در این سبک، والدین تلاش می کنند تا با

محدودیت‌هایی که برای فرزندان‌شان اعمال می‌کنند، آن‌ها را نظارت کنند و در عین حال، به آن‌ها اجازه‌ی مستقل عمل کردن می‌دهند. این سبک فرزندپروری می‌تواند به کودک اعتماد به نفس و مهارت‌های اجتماعی بیشتری بدهد، اما در برخی موارد ممکن است باعث تحمیل فشار و استرس بر فرزندان شود. فرزندپروری آسان‌گیر؛ در این سبک، والدین به جای مقابله با فرزندان، سعی می‌کنند که با آن‌ها همدلی کنند و از سختگیری خودداری کنند. این سبک به کودک احساس رضایت و رضایت از زندگی می‌دهد، اما ممکن است باعث بی‌توجهی به اصول و قوانین شود. فرزندپروری مستبدانه؛ در این سبک، والدین تنها به انتظارات خود پایبند هستند و از فرزندان‌شان انتظار دارند که از قوانین و انتظارات آن‌ها پیروی کنند. این سبک فرزندپروری می‌تواند باعث شخصیت فرزندان مسالمت‌طلب و پاسخگو شود، اما ممکن است باعث ایجاد فشار و استرس بر فرزندان شود و باعث بی‌توجهی به نیازهای احساسی و اجتماعی کودک شود و فرزندپروری بی‌اعتنا؛ در این سبک، والدین به رفتارهای کودک خود با غفلت پاسخ می‌دهند و به آن‌ها اجازه می‌دهند که به طور آزادانه عمل کنند. این سبک فرزندپروری می‌تواند باعث کاهش اعتماد به نفس و مهارت‌های اجتماعی کودک شود و مشکلات رفتاری و اجتماعی را به همراه دارد (Imran & Aziz, 2019). هر یک از این سبک‌ها ویژگی‌های متعددی دارد که نسبت به واکنش‌های مختلف فرزندان مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین از آنجایی که رابطه‌ی والدین با فرزند در بین همه‌ی افراد یکسان نیست، در نتیجه یک راه مطمئن و یکسان برای تربیت فرزندان هم وجود ندارد (Zhu et al., 2021). در پژوهش‌های انجام شده توسط (Zhang et al., 2021) نقش سبک‌های فرزندپروری در پرخاشگری سایبری نوجوانان چینی و در پژوهش (Mohamed & Abo Elkiat, 2020) نقش سبک‌های فرزندپروری در پرخاشگری نوجوانان دبیرستانی به تفکیک بررسی و تأیید شد. وجود مشکلات مربوط به فرزندان و فشارهای روانی ناشی از آن می‌تواند مشکلات روانشناختی بسیار زیادی برای مادران ایجاد کند و امنیت و سلامت روانی آن‌ها را در معرض خطر قرار دهد. در چنین شرایطی مادران قادر نخواهند بود تا کارکردها و وظایف خود در خانواده را به خوبی انجام دهند و دچار تعارض، کشمکش‌های درونی و عدم تعادل خواهند شد (Shomali Ahmadabadi et al., 2022). طبق مطالعات صورت گرفته شیوع رفتارهای پرخاشگری در کودکان ۳ تا ۶ ساله، حدود ۱۵/۵ درصد گزارش شده است (Taqavi et al., 2022). اگر پرخاشگری به صورت افراطی درآید، منجر به بروز مشکلات ارتباطی و اختلال‌های شخصیتی خواهد شد و آنچه بیش از همه مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است اثرات بلندمدت و نامطلوب پرخاشگری نظیر طرد شدن از همسالان، دوری از خانواده

1. lenient

2. authoritarian

3. negligent

و دوستان، مشکل در روابط بین فردی؛ بزهکاری و مشکلات روانی و جسمی است) (Kafi & Manzari Tavakoli, 2021). در این میان مادران به دلیل اینکه وقت بیشتری را با فرزندان خود سپری می کنند، بیش از سایر اعضای خانواده در معرض انواع تنش ها و آسیب های روانی قرار دارند (Yousefi et al., 2021). براین اساس می توان گفت یافتن روش آموزشی که بتواند به بهبود وضعیت سلامت روانی مادران دارای کودک پرخاشگر کمک کند، از اهمیت بالایی برخوردار است. در این راستا توجه به پذیرش والدینی در مادران دارای کودک پرخاشگر اهمیت فراوانی دارد. از دیدگاه نظری، پذیرش والدینی به عنوان یک عامل محوری در توسعه سلامت روانی و تنظیم هیجانی کودکان شناخته می شود. از سوی دیگر، پذیرش والدینی تاثیر مستقیمی بر رویکردها و سبک های فرزندپروری دارد و می تواند به بهبود ارتباط والد-فرزند و کاهش رفتارهای پرخاشگرانه در کودکان کمک کند. همچنین سبک های فرزندپروری از اهمیت ویژه ای هم از نظر نظری و هم عملی برخوردارند. از دیدگاه نظری، سبک های فرزندپروری نقش محوری در نظریه های توسعه و روانشناسی شخصیت ایفا می کنند، زیرا توضیح می دهند چگونه تعاملات والدین با فرزندان می تواند بر رشد اجتماعی، عاطفی و شناختی کودکان تاثیر بگذارد. از نظر عملی، شناسایی و درک سبک های فرزندپروری به والدین، مربیان و متخصصان کمک می کند تا استراتژی ها و رویکردهای موثرتری در تربیت و آموزش کودکان به کار ببرند. از نظر عملی، دانش و مهارت های مربوط به تنظیم شناختی هیجان می توانند در موقعیت های متعددی از جمله در محیط های آموزشی، محل کار و در تعاملات اجتماعی به کار روند. آموزش روش های موثر تنظیم هیجان می تواند به افراد کمک کند تا با استرس های روزمره به شکل سالم تری کنار بیایند، بهبود ارتباطات و مهارت های بین فردی را تجربه کنند و به طور کلی، کیفیت زندگی خود را افزایش دهند (Poshtiban, 2023). مشکلات هیجانی کودکان می تواند به عوامل مختلفی همچون سبک های فرزندپروری غلط در مادران برگردد. از جمله یکی از این سبک ها سبک فرزندپروری ناپردازنده است که در آن والدین نمی توانند به طور موثر با احساسات کودکان خود سر و کار داشته باشند و احساسات را درک و تأیید کنند. این می تواند باعث کاهش اعتماد به نفس و افزایش ناامنی در کودکان شود و برای آنها مشکلات هیجانی ایجاد کند. سبک فرزندپروری کنترلگر نیز یک عامل مهم است که منجر به پرخاشگری کودکان می شود. این سبک فرزندپروری با تمرکز بر کنترل زیاد و تعیین قوانین سخت، موجب افزایش تعارض ها و ناپایداری های احساسی در کودکان می شود که نهایتاً به رفتارهای خشونت آمیز و پرخاشگر منجر می شود. بنابراین، سبک های فرزندپروری غلط همراه با ناتوانی در تنظیم هیجانی والدین می توانند به ظهور مشکلات هیجانی در کودکان، شامل پرخاشگری، منجر شوند (Southward et al., 2021). تنظیم شناختی هیجان، توانایی تحقق، پذیرش آسان و همچنین کنترل موفقیت آمیز احساسات در خود (و بعضی اوقات دیگران) می باشد. به عبارت ساده تر، راهبردهای تنظیم هیجان به

توانایی و مهارت تسلط بر هیجان‌ها خود اشاره دارد (Freisthler et al., 2022). افراد به طور ناخودآگاه از مهارت‌های تنظیم هیجان برای مقابله با شرایط دشوار چندین بار در روز استفاده می‌کنند. همچنین توانایی به کار بردن آن‌ها در موقعیت‌های مختلف را برای سازگاری با شرایط دارند. برخی از این استراتژی‌ها می‌توانند مانند (مدیریت استرس) سالم و برخی مانند (صدمه به خود) ناسالم باشند. استراتژی‌های ناسالم، مواردی هستند که به طور موقت آسیب را از بین می‌برند اما در طول زمان آسیب جدی‌تری را بر جای می‌گذارند (English et al., 2021). تنظیم هیجان می‌تواند سبب شود تا مادران دارای فرزند پرخاشگر بر چالش‌های ارتباطی با فرزند خود غلبه کنند. در پژوهش‌های انجام شده توسط (Lau & Williams, 2022) نقش تنظیم هیجان والدین و پرخاشگری در کودکان و در پژوهش (Gutiérrez-Cobo et al., 2023) رابطه تنظیم هیجان و پرخاشگری مورد بررسی و تایید قرار گرفته است. در مورد کودکان پرخاشگر، سبک فرزندپروری و پذیرش والدینی و تنظیم شناختی هیجان می‌تواند مادران می‌تواند نقشی مهم در کنترل شرایط آن‌ها داشته باشد. والدینی که از سبک فرزندپروری بی‌اعتنا استفاده می‌کنند، به فرزندان‌شان استقلال و خودکارآمدی می‌دهند. آنها آزادی و انعطاف را تحت تأثیر بچه‌گونه‌ها قرار می‌دهند. این سبک می‌تواند به کودکان پرخاشگر کمک کند تا مهارت‌های تنظیم شناختی هیجانی را یاد بگیرند و به صورت مستقل با موقعیت‌های مختلف در جامعه مقابله کنند. در سبک مقتدرانه، والدین به نیازها و احساسات کودکان خود پاسخ می‌دهند و آنها را توجیه می‌کنند. این اهتمام به احساسات کودکان، اجازه می‌دهد احساساتشان را شناخته و درک کنند و راهکارهای مناسبی برای تنظیم هیجان بیاموزند. والدینی با سبک مستبدانه، کنترل زیادی بر کودکان خود دارند و تصمیم‌گیری‌ها و قوانین را تعیین می‌کنند. این سبک فرزندپروری ممکن است باعث افزایش تعارض و تنش در رابطه والدین و فرزندان شود. همچنین مادرانی که پذیرش والدینی بالا دارند، توانایی درک و شناخت احساسات کودکان خود را دارند و آن‌ها را به لحاظ عاطفی پذیرفته و تأیید می‌کنند. این نوع پذیرش والدینی می‌تواند در تنظیم شناختی هیجان کودکان پرخاشگر تأثیر مثبتی داشته باشد، زیرا کودکان حس می‌کنند نیازها و احساساتشان قابل توجه هستند و ارتباط سالمی با والدین خود دارند. آموزش حل مسئله، به آموزش فرآیند یافتن راه‌حلی برای مشکلات موجود در زندگی اشاره دارد (Funderburk et al., 2021). والدین با آموزش حل مسئله می‌توانند بهبود قابل توجهی در تنظیم شناختی هیجان خود داشته باشند و بتوانند بهترین راه حل را برای مشکلات خانوادگی خود انتخاب کنند. همچنین با آموزش روش‌های حل مسئله، والدین می‌توانند به دانش و تجربیات بیشتری برای حل مسائل خانوادگی خود دست پیدا کنند. نتایج پژوهش (Yakanizad & Soleiman Nejad, 2023) با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون نشان داد که آموزش مهارت‌های حل مسئله تأثیر معناداری بر افزایش راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و خودتنظیمی دانش‌آموزان دارد. (Kakabaraei et al., 2022) در پژوهشی بر روی ۳۰

مادر دارای فرزند مبتلا به اوتیسم نشان دادند که برنامه حل مسئله خانواده- محور بر تنظیم هیجان آزمودنی-ها تأثیر معنادار داشت و اثر این برنامه در مرحله پیگیری همچنان ماندگار بود. پژوهش (Beyranvand,2022) نشان داد که در متغیرهای وابسته (پیشانی روانشناختی، سازگاری اجتماعی، راهبردهای مثبت تنظیم هیجان، راهبردهای منفی تنظیم هیجان و تنیدگی تحصیلی) بین گروه های حل مسئله، پردازش هیجان مدار و گواه تفاوت معنی دار دیده می شود. (Lin et al.,2023) نشان دادند حل مساله والدین تأثیر معناداری رد انتخاب سبک فرزندپروری مناسب دارد. همچنین نتایج این پژوهش پیشنهاد داد به منظور بهبود سبک فرزندپروری در والدین توانایی حل مساله در آن ها را باید افزایش داد. (Gross & John,2023) در مطالعات خود نشان داد آموزش حل مسئله تأثیر معناداری در کاهش نمرات مشکلات رفتاری دانش آموزان دارد. در نتیجه، آموزش روش های حل مسئله می تواند بهبود در کیفیت زندگی خانواده ها و کاهش رفتارهای خشونت آمیز در کودکان کمک کند. (EL-Hie et al.,2022) در پژوهش خود بر روی ۳۰ کودک دارای مشکلات رفتاری بودند، نشان دادند آموزش مهارت های حل مسئله تأثیر معناداری در کاهش نمرات مشکلات رفتاری دارد. اما متاسفانه پژوهش های کافی در این زمینه انجام نشده است. تنها در برخی از پژوهش ها همچون (Güss & Starker,2023) در رابطه بین حل مسئله و تنظیم شناختی هیجان؛ (Fidan & Bulut Serin,2021) رابطه مهارت های حل مسئله و پرخاشگری و (Mohamed & Abo Elkiat,2020) رابطه حل مسئله و سبک های فرزندپروری به تفکیک بررسی و تایید شده است. اما در هیچ پژوهشی به بررسی اثربخشی آموزش حل مسئله بر تنظیم شناختی هیجان، سبک های فرزندپروری و پذیرش والدینی مادران دارای کودکان پرخاشگر مدارس ابتدایی شهرستان بابلسمدارس ابتدایی شهرستان بابلسر به طور همزمان مبادرت نشده است لذا با توجه به اهمیت موضوع و خلاء موجود پژوهش حاضر به دنبال پاسخ این سوال است که آیا آموزش حل مسئله بر تنظیم شناختی هیجان، سبک های فرزندپروری و پذیرش والدینی مادران دارای کودکان پرخاشگر موثر است؟

روش

این پژوهش با روش نیمه آزمایشی با پیش آزمون - پس آزمون و با گروه کنترل اجرا شد. در طرح پژوهش حاضر از یک گروه آزمایشی و یک گروه کنترل استفاده شد.

جامعه، نمونه و روش نمونه گیری: جامعه آماری این پژوهش متشکل بود از کلیه مادران کودکان قبل سن دبستان شهر بابلسر که با استفاده از پرسشنامه پرخاشگری کودکان پیش دبستانی (Vahedi et al.,2008) رفتار پرخاشگرانه دارند. با توجه به این که در پژوهش های آزمایشی حداقل نمونه برای هر گروه ۱۵ نفر پیشنهاد شده است. در این پژوهش تعداد افراد نمونه

برای هر یک از گروه‌های آزمایش و گروه کنترل ۱۷ نفر و در مجموع ۳۴ نفر بود. نمونه آماری با توجه به طرح پژوهشی (نیمه‌آزمایشی) بصورت در دسترس و از بین داوطلبان و با توجه به ملاک‌های ورود و خروج نمونه انتخاب و بصورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شد. داده‌ها از ابزارهای زیر گردآوری شدند.

ابزار سنجش

تنظیم شناختی هیجان: پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان توسط (Gross & John, 2003) تدوین شده است. این پرسشنامه به منظور سنجش میزان استفاده از سبک‌های تنظیم شناختی هیجان افراد طراحی شده است. این پرسشنامه مشتمل بر دو خرده مقیاس ارزیابی مجدد با ۶ گویه و سرکوبی با ۴ گویه است. شرکت‌کنندگان در یک مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای از به شدت مخالفم (با نمره ۱) تا به شدت موافقم (با نمره ۷) پاسخ دادند. حداقل نمره در این پرسشنامه ۷ و حداکثر آن ۷۰ است. این پرسشنامه سوالی با نمره معکوس ندارد. در پژوهش گراس و جان (۲۰۰۳) همبستگی درونی برای ارزیابی مجدد ۰/۷۹ و سرکوبی ۰/۷۳ به دست آمده است. (Karreman & Vingerhoest, 2012) همبستگی درونی را برای ارزیابی مجدد ۰/۸۳ و برای سرکوبی ۰/۷۹ گزارش کردند. در ایران نیز کفایت‌های روانسنجی این مقیاس مورد مطالعه قرار گرفته است که ضریب آلفای کرونباخ برای ارزیابی مجدد، فرونشانی و همچنین کل مقیاس، به ترتیب ۰/۷۹، ۰/۵۲ و ۰/۷۱ گزارش شده است.

سبک فرزندپروری: پرسشنامه سبک‌های والدگری (Baumrind, 1991) جهت بررسی شیوه‌های والدگری ساخته و طراحی شده است. این پرسشنامه به منظور سنجش وضعیت الگوی رفتاری سهل‌گیر، مستبد و مقتدر (اطمینان بخش) افراد طراحی شده است. این پرسشنامه، شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده آن به شیوه سهل‌گیر، ۱۰ ماده به شیوه مستبد و ۱۰ ماده دیگر به شیوه قاطع و اطمینان بخش به امر پرورش فرزند مربوط می‌شود. در این پرسشنامه، فرزندان نظر خود را بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت مشخص کرده‌اند و نمره بالاتر نشان دهنده استفاده والدین از همان شیوه فرزندپروری است. حداقل نمره در این پرسشنامه ۳۰ و حداکثر آن ۱۵۰ است. این پرسشنامه سوالی با نمره معکوس ندارد. میزان اعتبار این پرسشنامه به روش باز آزمایی، برای سهل‌گیرانه ۰/۸۵، برای مستبدانه ۰/۹۲ و برای اقتدار منطقی پدران ۰/۸۱ گزارش شده است.

پذیرش والدینی: پرسشنامه پذیرش والدینی (Porter, 1954) طراحی شده است. این پرسشنامه به منظور سنجش رفتار و احساس والدین به کودک، با کودک یا در مورد کودک را به عنوان نشانه‌ای از پذیرش والدینی طراحی و تدوین شده است و در سال ۲۰۰۵ مورد تجدید نظر قرار گرفته است. این پرسشنامه دارای ۴۰ است و بر اساس طیف لیکرت با سوالاتی مانند (وقتی کودکم دست به کارهایی می‌زند که آرزو میکنم ای کاش این کارها را نمی‌کرد) پذیرش والدینی در افراد را سنجیده

است. حداقل نمره در این پرسشنامه ۴۰ و حداکثر آن ۲۰۰ است. این پرسشنامه سوالی با نمره معکوس ندارد. در مقیاس پذیرش والدینی پروتر نمره‌های بالا نشان دهنده پذیرش بالای والد نسبت به کودک است. (Landreth & Lobaugh, 1998) ، (Kale & Landreth, 1999) ضریب پایایی آزمون را از طریق روش دونیمه کردن ۰,۷۶ گزارش کرده‌اند. همچنین آنان ضریب اعتبار کلی تست را ۰,۸۰ گزارش کردند؛ و هر دو ضریب گزارش شده در سطح ۰,۰۱ معنی‌دار بودند. در ایران و در پژوهش (Hashemi, 2012) روایی محتوایی و صوری و ملاکی این پرسشنامه مناسب ارزیابی شده و ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه بالای ۰/۷ برآورد شد.

پرخاشگری: پرسشنامه پرخاشگری کودکان پیش دبستانی توسط (Vahedi et al., 2008) طراحی شده است. این پرسشنامه به منظور سنجش وضعیت پرخاشگری در کودکان پیش دبستانی طراحی شده است. این پرسشنامه ۴۳ ماده‌ای پرخاشگری کودکان پیش دبستانی که توسط مربی یا والد تکمیل می‌شود، بر اساس طیف لیکرت ۵ درج‌های از اصلا (صفر) تا اغلب روزها (نمره ۴) نمره گذاری می‌شود و نمره‌های آن بین صفر تا ۱۷۲ در نوسان است. این پرسشنامه سوالی با نمره معکوس ندارد. ضریب اعتبار این مقیاس در پژوهش (Vahedi et al., 2008) با استفاده از آلفای کرونباخ مطلوب برابر با ۰/۹۸ برآورد شده است. برای بررسی روایی سازه این مقیاس به روش تحلیل عاملی، از آزمون کفایت نمونه کیسر، مایر و اولکین استفاده شده که مقدار ۰/۹۵ به دست آمده است. سازندگان همچنین برای بررسی روایی همزمان، از ضریب همبستگی اسپیرمن بین نمره‌های رتبه‌بندی شده توسط روانپزشک و نمره‌های مقیاس پرخاشگری که به رتبه تبدیل شده بود، استفاده کردند. به این ترتیب همبستگی بین تشخیص روانپزشک و مقیاس اندازه‌گیری پرخاشگری ۰/۶۱ برآورد شد که در سطح ۰/۰۱ معنادار بود.

آموزش حل مسئله: محتوای بسته آموزشی الگوی آموزش حل مسأله توسط (Zafari et al., 2022) طراحی شده است. این آموزش در ۸ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای و به شرح جدول ۱ اجرا شد.

جدول ۱. محتوای بسته آموزش حل مسئله

جلسه	محتوای جلسه	شرح
جلسه اول	تشخیص موقعیت کلی (مرحله اول)	در این مرحله، ابتدا به تشخیص و درک کامل از موقعیت کلی یا مسئله اصلی پرداخته می‌شود. این مرحله اساسی‌ترین بخش از حل مسئله است و به تعیین دقیق محدوده مسأله و درک عمیق از آن کمک می‌کند.
جلسه دوم	تقویت مرحله اول یعنی تشخیص موقعیت کلی	در این مرحله، تشخیص موقعیت کلی تقویت می‌شود. این به این معناست که به کمک مشاهدات بیشتر و جزئی‌تر، تصویر دقیق‌تری از مسئله و عوامل موثر در آن ایجاد می‌شود.
جلسه	تعریف دقیق مسأله (مرحله دوم)	در این مرحله، مسئله به صورت دقیق‌تر و مشخص‌تری تعریف می‌شود.

سوم	مشخص کردن واضح و دقیق مسئله مهم است تا بتوان به بهترین شکل مسیر حل را طی کرد.
جلسه چهارم	تهیه فهرستی از راه‌های در این مرحله، به تولید راه‌حل‌های مختلف برای مسئله می‌پردازید. این مختلف=بارش مغزی (مرحله یک فرآیند خلاقانه و تفکر گروهی است که به شکلی گسترده از ایده‌ها برای حل مسئله استفاده می‌کند. (سوم)
جلسه پنجم	ارزیابی راه‌های مطرح شده و در این مرحله، راه‌حل‌های مطرح شده ارزیابی می‌شوند. مزایا، معایب، و انتخاب بهترین راه حل (مرحله امکان‌پذیری هر راه‌حل به دقت بررسی می‌شود تا بهترین گزینه انتخاب شود. (چهارم)
جلسه ششم	در این مرحله، راه‌حلی که انتخاب شده است، عملیاتی می‌شود. این تصمیم‌گیری و اجرای راه حل ممکن است شامل اقدامات عملی، طراحی یک نقشه عمل، یا ایجاد یک طرح کامل برای حل مسئله باشد. (مرحله پنجم)
جلسه هفتم	در این مرحله، اثبات اینکه راه‌حل انتخاب شده واقعاً منجر به حل مسئله می‌شود، ارائه می‌شود. این ممکن است از طریق منطق، تحلیل، شبیه‌سازی‌ها یا تست‌های عملی باشد. (مرحله ششم)
جلسه هشتم	مرور مراحل قبل و توزیع در این مرحله، مراحل قبلی که پیش‌تر طی شده بودند، مرور می‌شوند. پرسشنامه‌ها (ارزیابی جلسات هم‌چنین، در صورتی که در یک فرآیند گروهی باشد، پرسشنامه‌ها و نظرسنجی‌ها توزیع می‌شوند تا عملکرد جلسات گذشته ارزیابی شود. (گذشته)

روش اجرای پژوهش

پژوهش حاضر از جمله پژوهش‌های نیمه‌آزمایشی است که هدف آن تعیین بررسی اثربخشی آموزش حل مسئله بر تنظیم شناختی هیجان، سبک‌های فرزندپروری و پذیرش والدینی مادران دارای کودکان پرخاشگر مدارس ابتدایی شهرستان بابلسر بود. در این طرح ۲ گروه داشت (گروه آزمایش شامل ۱۷ نفر و گروه کنترل شامل ۱۷ نفر) که در آن گروه آزمایش تحت آموزش قرار گرفت و گروه دیگر به عنوان گروه کنترل هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد. قبل از اجرای طرح از هر دو گروه آزمون تنظیم شناختی هیجان، سبک‌های فرزندپروری و پذیرش والدینی اخذ شد (پیش‌آزمون)، گروه آزمایش طی ۸ جلسه ۶۰ دقیقه‌ای مورد آموزش حل مسئله قرار گرفتند و در پایان طرح پس از آزمون به عمل خواهد آمد (پس‌آزمون) و نتایج با استفاده از روش آماری کواریانس و توسط نرم‌افزار آماری SPSS مورد مقایسه قرار گرفت.

یافته ها

در این بخش آمار توصیفی مربوط به نمرات متغیرهای تحقیق و هر یک از مؤلفه‌های آن آمده است.

جدول ۲. آمار توصیفی نمرات متغیرهای پژوهش به تفکیک پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه کنترل و آزمایش

منبع متغیر	تعداد	کنترل		آزمایش	
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
ارزیابی	پیش آزمون	۳۰,۰۶	۶,۵۹	۳۱,۸۸	۶,۸۵
	پس آزمون	۲۹,۹۴	۵,۳۷	۳۳,۵۹	۴,۶۵
تنظیم شناختی هیجان	پیش آزمون	۱۶,۱۸	۴,۶۵	۱۶,۶۵	۶,۷۸
	پس آزمون	۱۵,۹۴	۴,۹۲	۱۱,۹۴	۴,۱۵
سهل انگارانه	پیش آزمون	۲۶,۶۵	۴,۰۰	۲۳,۶۵	۳,۱۸
	پس آزمون	۲۶,۱۲	۵,۱۷	۲۴,۱۲	۶,۰۳
سبک های فرزندپروری	پیش آزمون	۴۲,۵۹	۳,۹۹	۳۹,۱۲	۴,۳۶
	پس آزمون	۴۲,۸۲	۳,۳۰	۴۳,۶۵	۳,۶۹
مستبدانه	پیش آزمون	۲۱,۵۹	۳,۸۹	۲۳,۹۴	۸,۲۷
	پس آزمون	۲۲,۹۴	۵,۱۵	۲۲,۵۹	۷,۱۶
پذیرش والدینی	پیش آزمون	۱۱۱,۷۶	۱۴,۱۹	۱۱۲,۸۸	۱۵,۰۸
	پس آزمون	۱۱۱,۹۴	۱۴,۰۶	۱۱۵,۰۰	۱۵,۴۱

با توجه به اطلاعات جدول بالا، میانگین نمرات متغیرهای پژوهش به تفکیک پیش آزمون و پس آزمون نشان داده شده است. قبل از هر گونه آزمونی که با فرض نرمال بودن داده‌ها صورت می‌گیرد باید آزمون نرمال بودن صورت گیرد. هنگام بررسی نرمال بودن داده‌ها ما فرض صفر مبتنی بر اینکه توزیع داده‌ها نرمال است را در سطح خطای $0/05$ تست می‌شود. بنابراین اگر آماره آزمون بزرگتر مساوی $0/05$ بدست آید، در این صورت دلیلی برای رد فرض صفر مبتنی بر اینکه داده نرمال است، وجود نخواهد داشت. به عبارت دیگر توزیع داده‌ها نرمال خواهد بود. یکی از بهترین روش‌های شناسایی نرمال بودن توزیع داده‌ها آزمون کولموگروف-اسمیرنوف که در جدول زیر به نتیجه این آزمون پرداخته شده است.

جدول ۳. آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و شاپیرو ویلکز برای بررسی نرمال بودن تک متغیری و چند متغیری

منبع متغیر	درجه آزادی	گروه کنترل		گروه آزمایش	
		کولموگروف-اسمیرنوف	شاپیرو ویلکز	کولموگروف-اسمیرنوف	شاپیرو ویلکز
		آماره Z	سطح معنادار	آماره MV	سطح معنادار
		ی	ی	ی	ی
ارزیابی پیش آزمون	۱۷	۰,۱۷۰	۰,۲۰۰	۰,۹۱۵	۰,۱۶۰
پس آزمون	۱۷	۰,۱۱۹	۰,۲۰۰	۰,۹۵۰	۰,۵۲۵
سرکوب پیش آزمون	۱۷	۰,۲۳۴	۰,۰۲۷	۰,۸۴۴	۰,۰۱۴
پس آزمون	۱۷	۰,۱۷۵	۰,۲۰۰	۰,۹۰۶	۰,۱۱۸
فرزند پرووری پیش آزمون	۱۷	۰,۱۹۲	۰,۱۴۱	۰,۸۸۴	۰,۰۵۴
سهل انگارانه پس آزمون	۱۷	۰,۲۰۸	۰,۰۸۰	۰,۸۵۸	۰,۰۲۳
فرزند پرووری پیش آزمون	۱۷	۰,۱۲۴	۰,۲۰۰	۰,۹۶۴	۰,۷۶۳
قاطعانه پس آزمون	۱۷	۰,۱۰۵	۰,۲۰۰	۰,۹۶۴	۰,۷۶۷
فرزند پرووری پیش آزمون	۱۷	۰,۱۷۷	۰,۲۰۰	۰,۸۴۸	۰,۰۱۶
مستبدانه پس آزمون	۱۷	۰,۱۱۳	۰,۲۰۰	۰,۹۳۶	۰,۳۳۳
پذیرش والدینی پیش آزمون	۱۷	۰,۱۳۶	۰,۲۰۰	۰,۹۲۶	۰,۱۸۶
پس آزمون	۱۷	۰,۱۶۷	۰,۲۰۰	۰,۹۱۹	۰,۱۴۴

اطلاعات جداول فوق بیانگر این است که در آزمون کلموگروه-اسمیرنوف سطح معنی داری مقادیر Z بدست آمده برای متغیرهای تحقیق به تفکیک پیش آزمون و پس آزمون گروه کنترل و آزمایش

بالاتر از ۰/۰۵ است ($p > 0/05$)، که این امر بیانگر آن است که نمرات این متغیرها، دارای توزیعی نرمال است.

فرضیه اول: آموزش حل مسئله بر تنظیم شناختی هیجان مادران دارای کودکان پرخاشگر تاثیر گذار است. برای بررسی این فرضیه از تحلیل کوواریانس چند متغیری استفاده شده است. لذا قبل از آن به بررسی پیش فرض های آزمون پرداخته شده است. برای بررسی این مفروضه آزمون M باکس یکسانی ماتریس کوواریانس را ارزشیابی می کند. نتیجه این آزمون در جدول زیر آمده است.

جدول ۴. آزمون M باکس جهت بررسی همگنی ماتریس کوواریانس

Sig.	df 2	df 1	F	Box'M
۰,۸۶۳	۱۸۴۳۲۰	۳	۰,۲۴۸	۰,۷۹۸

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می شود، مقدار آماره باکس برابر با ۰/۷۹۸ و مقدار F بدست آمده برای این آماره ۰/۲۴۸ می باشد. سطح معنی داری مقدار F برابر با ۰/۸۶۳ محاسبه شده است ($P > 0/001$). بنابراین فرض همگنی ماتریس کوواریانس پذیرفته می شود و لامبدای ویلکز مورد بررسی قرار می گیرد. برای بررسی معنی داری تفاوت میانگین متغیرها ترکیبی از بین تنظیم شناختی هیجان آماره چند متغیره لامبدای ویلکز در کنار پیلائی، بزرگترین ریشه روی و هوتلینگ یکی از آزمون های چند متغیره است که نشان می دهد آیا از نظر آماری تفاوت معنی داری در بین گروه ها در ترکیب خطی خرده مقیاس های مورد نظر وجود دارد یا نه (تباچنیک و فیدل، ۲۰۰۷). نتیجه این آزمون در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. نتایج آزمون های چند متغیره بررسی تاثیر آموزش حل مسئله بر تنظیم شناختی هیجان مادران دارای کودکان پرخاشگر

آزمون	مقدار	F	d.f فرضیه	Df خطا	P	η^2
پیلائی	۰/۳۱۶**	۶/۷۰۵	۲	۲۹	۰/۰۰۴	۰/۳۱۶
لامبدای ویلکز	۰/۶۸۴**	۶/۷۰۵	۲	۲۹	۰/۰۰۴	۰/۳۱۶
هوتلینگ	۰/۴۶۲**	۶/۷۰۵	۲	۲۹	۰/۰۰۴	۰/۳۱۶
بزرگترین ریشه روی	۰/۴۶۲**	۶/۷۰۵	۲	۲۹	۰/۰۰۴	۰/۳۱۶

با توجه به اطلاعات جدول ۵ مشاهده می شود که لامبدای ویلکز برابر با ۰/۶۸۴ و مقدار F بدست آمده در این آماره ۶/۷۰۵ است. سطح معنی داری این مقدار با درجه آزادی ۲ و ۲۹ کمتر از ۰/۰۱ است ($P < 0/01$). این امر نشان می دهد که بین افراد گروه های کنترل و آزمایش حداقل در یکی از مولفه های تنظیم شناختی هیجان، تفاوت وجود دارد. با توجه به ضریب اتا، آموزش حل مسئله بر تنظیم

¹. Stevens

شناختی هیجان مادران دارای کودکان پرخاشگر به میزان $0/31$ واحد تاثیر دارد ($p < 0/01$, $\eta^2 = 0/31$, $F_{(29,2)} = 6/750$, $\Lambda = 0/684$).

جدول ۶. نتایج تحلیل آنکوا برای بررسی تفاوت نمرات تنظیم شناختی هیجان

منبع متغیر	SS	df	MS	F	Sig	ضریب اتا
گروه	۷۶,۳۱۲	۱	۷۶,۳۱۲	۳,۷۴	۰,۰۶۲	۰,۱۱۱
ارزیابی	۱۳۴,۳۹۸	۱	۱۳۴,۳۹۸	۹,۹۴	۰,۰۰۱	۰,۲۴۹
خطا	۶۱۱,۴۷۴	۳۰	۲۰,۳۸۲	-	-	-
سرکوبی	۴۰۵,۵۷۱	۳۰	۱۳,۵۱۹	-	-	-
کل اصلاح	۹۲۰,۱۱۸	۳۳	-	-	-	-
شده	۷۹۷,۸۸۲	۳۳	-	-	-	-

نتایج تحلیل در جدول بالا نشان می‌دهد، مقدار F بدست آمده برای تفاوت میانگین سرکوبی برابر با $9/94 (F_{(29,1)} = 9/94)$ محاسبه شده است. همچنین سطح معناداری برای این متغیر برابر با $0/001$ ($\alpha = 0/001$) آمده است و این سطح از مقدار مفروض $0/01$ کمتر است؛ بنابراین آموزش حل مسئله بر سرکوبی مادران دارای کودکان پرخاشگر به میزان $0/25$ واحد تاثیر دارد ($p < 0/01$, $\eta^2 = 0/25$, $F_{(29,1)} = 9/94$). برای بررسی میزان در هر دو گروه کنترل و آزمایش، میانگین‌های تعدیل شده در جدول ۴-۹ ارائه می‌شود.

فرضیه دوم: آموزش حل مسئله بر سبک‌های فرزندپروری مادران دارای کودکان پرخاشگر تاثیر

گذارد است.

جدول ۷. نتایج آزمون‌های چند متغیره بررسی تأثیر آموزش حل مسئله بر سبک‌های فرزندپروری مادران دارای

کودکان پرخاشگر

آزمون	مقدار	F	d.f	Df	P	η^2
			فرضیه	خطا		
پیلایی	۰/۲۸۴**	۳/۵۶۹	۳	۲۷	۰/۰۲۷	۰/۲۸۴
لامبدای ویلکز	۰/۷۱۶**	۳/۵۶۹	۳	۲۷	۰/۰۲۷	۰/۲۸۴
هوتلینگ	۰/۳۹۷**	۳/۵۶۹	۳	۲۷	۰/۰۲۷	۰/۲۸۴
بزرگترین ریشه روی	۰/۳۹۷**	۳/۵۶۹	۳	۲۷	۰/۰۲۷	۰/۲۸۴

با توجه به اطلاعات جدول ۷ مشاهده می‌شود که لامبدای ویلکز برابر با $0/716$ و مقدار F بدست آمده در این آماره $3/569$ است. سطح معنی‌داری این مقدار با درجه آزادی 3 و 27 کمتر از $0/05$ است ($P < 0/05$). این امر نشان می‌دهد که بین افراد گروه‌های کنترل و آزمایش حداقل در یکی از مولفه‌های سبک‌های فرزندپروری تفاوت وجود دارد. با توجه به ضریب اتا، آموزش حل مسئله بر سبک‌های فرزندپروری مادران دارای کودکان پرخاشگر به میزان $0/28$ واحد تاثیر دارد ($p < 0/05$, $\eta^2 = 0/28$, $\Lambda = 0/716$, $F_{(27,3)} = 3/569$).

جدول ۸. نتایج تحلیل آنکوا برای بررسی تفاوت نمرات سبک های فرزندپروری

منبع متغیر	SS	df	MS	F	Sig	ضریب اتا
سهل انگارانه	۷,۹۶۴	۱	۷,۹۶۴	۰,۴۶	۰,۵۰۵	۰,۰۱۵
قاطعانه	۵۸,۴۳۱	۱	۵۸,۴۳۱	۱۰,۷۴	۰,۰۰۳	۰,۲۷۰
مستبدانه	۵۹,۶۹۴	۱	۵۹,۶۹۴	۷,۲۰	۰,۰۱۲	۰,۱۹۹
سهل انگارانه	۵۰۷,۲۳۷	۲۹	۱۷,۴۹۱	-	-	-
قاطعانه	۱۵۷,۷۳۸	۲۹	۵,۴۳۹	-	-	-
مستبدانه	۲۴۰,۵۷۴	۲۹	۸,۲۹۶	-	-	-
سهل انگارانه	۱۰۴۳,۵۲۹	۳۳	-	-	-	-
قاطعانه	۳۹۸,۱۱۸	۳۳	-	-	-	-
مستبدانه	۱۲۴۶,۱۱۸	۳۳	-	-	-	-

نتایج تحلیل در جدول بالا نشان می‌دهد، مقدار F بدست آمده برای تفاوت میانگین فرزندپروری قاطعانه برابر با $۱۰/۷۴$ ($F_{(۲۹,۱)} = ۱۰/۷۴$) محاسبه شده است. همچنین سطح معناداری برای این متغیر برابر با $۰/۰۰۳$ ($\alpha = ۰/۰۰۳$) آمده است و این سطح از مقدار مفروض $۰/۰۱$ کمتر است؛ بنابراین آموزش حل مسئله بر فرزندپروری قاطعانه مادران دارای کودکان پرخاشگر به میزان $۰/۲۷$ واحد تاثیر دارد ($F_{(۲۹,۱)} = ۱۰/۷۴$, $\eta^2 = ۰/۲۷$, $p < ۰/۰۱$). مقدار F بدست آمده برای تفاوت میانگین فرزندپروری مستبدانه برابر با $۷/۲۰$ ($F_{(۲۹,۱)} = ۷/۲۰$) محاسبه شده است. همچنین سطح معناداری برای این متغیر برابر با $۰/۰۱۲$ ($\alpha = ۰/۰۱۲$) آمده است و این سطح از مقدار مفروض $۰/۰۵$ کمتر است؛ بنابراین آموزش حل مسئله بر فرزندپروری مستبدانه مادران دارای کودکان پرخاشگر به میزان $۰/۲۰$ واحد تاثیر دارد ($F_{(۲۹,۱)} = ۷/۲۰$, $\eta^2 = ۰/۲۰$, $p < ۰/۰۵$).
فرضیه سوم: آموزش حل مسئله بر پذیرش والدینی مادران دارای کودکان پرخاشگر تاثیر گذار است.

جدول ۹. نتایج تحلیل آنکوا برای بررسی تفاوت نمرات پذیرش والدینی

منبع متغیر	SS	df	MS	F	Sig	ضریب اتا
پذیرش گروه	۳۱,۸۸۹	۱	۳۱,۸۸۹	۱۴,۴۹	۰,۰۰۱	۰,۳۱۹
خطا والدینی	۶۸,۱۹۳	۳۱	۲,۲۰۰	-	-	-
کل اصلاح شده	۷۰۴۲,۴۷۱	۳۳	-	-	-	-

نتایج تحلیل در جدول بالا نشان می‌دهد، مقدار F بدست آمده برای تفاوت میانگین پذیرش والدینی برابر با $۱۴/۴۹$ ($F_{(۲۹,۱)} = ۱۴/۴۹$) محاسبه شده است. همچنین سطح معناداری برای این متغیر برابر با $۰/۰۰۱$ ($\alpha = ۰/۰۰۱$) آمده است و این سطح از مقدار مفروض $۰/۰۱$ کمتر است؛ بنابراین آموزش حل مسئله بر پذیرش والدینی مادران دارای کودکان پرخاشگر به میزان $۰/۳۲$ واحد تاثیر دارد ($F_{(۲۹,۱)} = ۱۴/۴۹$, $\eta^2 = ۰/۳۲$, $p < ۰/۰۱$).

بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش حل مسئله بر تنظیم شناختی هیجان، سبک‌های فرزندپروری و پذیرش والدینی مادران دارای کودکان پرخاشگر طراحی گردید. نتایج حاصل از تحلیل داده‌های مربوط به این فرضیه نشان داد که آموزش حل مسئله بر تنظیم شناختی هیجان مادران دارای کودکان پرخاشگر به میزان $0/31$ واحد تاثیر دارد ($p < 0/01$) و این روش آموزشی بر کاهش سطح سرکوبی مادران دارای کودکان پرخاشگر به میزان $0/25$ واحد تاثیر دارد. این یافته با نتایج بررسی‌های (Kakabaraei et al., 2022)، (Yakanizad & Soleiman Nejad, 2023)، (Beyranvand, 2022) و (Norouziyan & Taher, 2017) همسو است. درارتباط با تبیین این یافته می‌توان گفت که، آموزش حل مسئله یک ابزار قدرتمند برای ارتقاء سلامت روانی و تقویت روابط خانوادگی عمل می‌کند. این رویکرد، با تاکید بر تفکر منطقی و استراتژیک و فراهم آوردن فضایی برای رشد و توسعه مهارت‌های زندگی، می‌تواند تاثیرات مثبت و دائمی بر زندگی افراد داشته باشد (Yuan et al., 2019). سرکوبی هیجانی، فرآیندی است که طی آن فرد سعی می‌کند احساسات و هیجانات خود را به‌طور آگاهانه کنترل یا نادیده بگیرد. این رویکرد می‌تواند در کوتاه‌مدت مفید به نظر برسد، اما در درازمدت اغلب منجر به افزایش استرس، اضطراب و مشکلات روانشناختی می‌شود. آموزش حل مسئله، به مادران این امکان را می‌دهد که راه‌حل‌های متعددی را برای مواجهه با رفتارهای پرخاشگرانه فرزندان خود جستجو کنند، به جای اینکه به سرکوبی هیجانی متوسل شوند که ممکن است تنها به صورت موقتی موجب آرامش آنان شود. این تغییر رویکرد، از سرکوبی به حل مسئله، می‌تواند تاثیرات قابل توجهی بر سلامت روانی مادران داشته باشد. با کاهش وابستگی به سرکوبی هیجانی، مادران می‌توانند مهارت‌های تنظیم هیجانی خود را بهبود بخشند، که این امر به نوبه خود منجر به کاهش سطوح استرس و اضطراب می‌شود. علاوه بر این، تقویت مهارت‌های حل مسئله می‌تواند به افزایش اعتماد به نفس و توانایی مقابله با مشکلات پیچیده‌تر در زندگی نیز کمک کند.

نتایج در فرضیه دوم نشان داد که آموزش حل مسئله بر سبک‌های فرزندپروری مادران دارای کودکان پرخاشگر به میزان $28/0$ واحد تاثیر دارد ($p < 0/05$) و این روش آموزشی بر بهبود سطح فرزندپروری قاطعانه مادران دارای کودکان پرخاشگر به میزان $27/0$ واحد و بر کاهش سطح فرزندپروری مستبدانه مادران دارای کودکان پرخاشگر به میزان $20/0$ واحد تاثیر دارد. این یافته با نتایج مطالعات (Shokouhi Yekta et al., 2017)، (Lin et al., 2023) و (Mohamed & Abo Elkiat, 2020) همسو است. یافته‌های حاصل از این مطالعه حاکی از آن است که، آموزش حل مسئله بر کاهش سبک فرزندپروری مستبدانه مادران دارای کودکان پرخاشگر تاثیرگذار است. درارتباط با تبیین این یافته می‌توان گفت که، مهارت حل مسئله، که به عنوان فرآیندی

شناختی-رفتاری شناخته می‌شود، نقش بسیار مهمی در توسعه و اجرای راهبردهای موثر برای مواجهه با چالش‌ها و مشکلات دارد. این فرآیند، که به عنوان جزء اصلی عملکردهای دخیل در فرآیندهای شناختی سطح بالا تعریف می‌شود (Bakshesh Boroujeni et al., 2018) اهمیت ویژه‌ای در زمینه فرزندپروری دارد، به ویژه در موقعیت‌هایی که با رفتارهای پرخاشگرانه کودکان مواجه هستیم. آموزش حل مسئله به مادران می‌تواند به تغییر سبک فرزندپروری آنها کمک کند، به خصوص اگر این سبک فرزندپروری، مستبدانه باشد. سبک فرزندپروری مستبد، که در آن کنترل شدید و محدودیت‌های بیش از حد بر کودکان اعمال می‌شود، می‌تواند موجب بروز یا تشدید رفتارهای پرخاشگرانه در آنها شود. از طریق آموزش مهارت‌های حل مسئله، مادران می‌آموزند چگونه به صورت منطقی و با تفکر به جای اتکا به قدرت و کنترل مستقیم به چالش‌های موجود نزدیک شوند.

نتایج حاصل از تحلیل داده‌های مربوط به فرضیه سوم نشان داد که آموزش حل مسئله بر بهبود سطح پذیرش والدینی مادران دارای کودکان پرخاشگر به میزان $32/0$ واحد تاثیر دارد ($p < 0/1$). این یافته با نتایج پژوهش‌های (Davaie et al., 2021) و (Abbasi Bani, 2021) همسو است. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که، آموزش حل مسئله بر افزایش پذیرش والدینی مادران دارای کودکان پرخاشگر تاثیرگذار است. درارتباط با تبیین این یافته می‌توان گفت که، آموزش حل مسئله به مادران دارای کودکان پرخاشگر، با استفاده از اصول و اهدافی که در آموزش حل مسئله به عنوان یک رویکرد درمانی مشارکتی تأکید می‌شود، می‌تواند به طور مؤثری به افزایش پذیرش والدینی کمک کند. این رویکرد، با تمرکز بر فرآیند شناسایی مسائل، استفاده از روش‌های منظم برای غلبه بر چالش‌ها، شناسایی منابع موجود برای مقابله با مشکلات و تقویت احساس کنترل فرد بر مسائل خود، زمینه‌ساز تغییرات مثبت در افراد می‌شود (Ghasemi, 2021). آموزش حل مسئله به مادران کمک می‌کند تا جهت‌گیری انطباقی‌تری نسبت به چالش‌های پیش‌روی خود و کودکانشان داشته باشند. این جهت‌گیری، شامل توانایی مشاهده مسائل از منظری وسیع‌تر و یافتن راه‌حل‌های خلاقانه و مؤثر است. این نوع نگرش می‌تواند به کاهش واکنش‌های منفی و پرخاشگرانه در مادران کمک کند و به آنها امکان دهد با عشق و احترام بیشتری به نیازهای کودکان پرخاشگر خود پاسخ دهند. از طرفی آموزش حل مسئله به مادران به تسهیل کاربرد سبک حل مسئله عقلانی در زندگی کمک می‌کند. این امر به آن معناست که مادران یاد می‌گیرند چگونه مسائل را به طور منطقی و سیستماتیک تجزیه و تحلیل کنند، راه‌حل‌های ممکن را ارزیابی نمایند و با استفاده از این رویکرد عقلانی، بهترین راه‌حل را انتخاب کنند. همچنین مادران از طریق این آموزش‌ها یاد می‌گیرند که چگونه از طریق تشخیص و حل مؤثر مسائل، حمایت عاطفی قوی‌تری را برای کودکان خود فراهم کنند. این رویکرد به آنها کمک می‌کند تا از رفتارهای پردکننده، مانند پرخاشگری یا غفلت، دوری کنند و به جای آن، به فرزندان خود عشق، توجه، و پذیرش نشان دهند. درنهایت این آموزش‌ها زمینه ایجاد یک محیط

خانوادگی مثبت‌تر و سالم‌تر را فراهم خواهند ساخت، که طی آن کودکان احساس امنیت، پذیرش و ارزشمندی بالایی را تجربه کرده و به دنبال آن مادران نیز پذیرش والدینی بیشتری از خود نشان خواهند داد. براساس نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود که مراکز مشاوره خانواده و مدارس برنامه‌های آموزشی را برای والدین در زمینه حل مسئله و مهارت‌های تنظیم هیجان ارائه دهند. این برنامه‌ها می‌توانند به والدین کمک کنند تا با چالش‌های پرورش فرزندان پرخاشگر به شیوه‌ای مؤثرتر مواجه شوند. هم‌چنین برنامه‌های آموزشی تخصصی برای والدین تدوین شود که در آن‌ها تکنیک‌های مختلف حل مسئله، به عنوان بخشی از سبک‌های فرزندپروری مؤثر، آموزش داده شوند.

بخشش بروجنی، میکائیل، هاشمی، تورج. و فرج پورنیری، سپیده. (۱۳۹۸). پیش بینی رفتارهای پرخطر بر اساس هم نشینی با همسالان بزهکار، افسردگی و حل مسئله. *اعتیاد پژوهی*، ۱۳(۵۳)، ۲۵۲-۲۳۵.
بوستانی، فاطمه، برزگر، مجید، سامانی، سیامک. و سهرابی شگفتی، نادره. (۱۳۹۹). بررسی رابطه مشکلات رفتاری کودکان با خشونت مادران دارای کودکان نقص توجه همراه با بیش فعالی در شهر شیراز. *فصلنامه زن و جامعه*، ۱۱(۴۴)، ۴۶-۳۱.

تقوی، پگاه، محمدپناه اردکان، عذرا، چوب فروش زاده، آزاده. (۱۴۰۱). آموزش هوش اخلاقی و تاثیر آن بر رفتار نوع دوستی و پرخاشگری کودکان زیر ۷ سال. *پرستاری کودکان*، ۸(۴)، ۴۰-۴۹.
تیموریان، سپیده، میرزایی، هوشنگ، پیشبیاره، ابراهیم، حسین زاده، سمانه. (۱۳۹۹). تاثیر بازی درمانی گروهی بر مشکلات اجتماعی، پرخاشگری و قانون شکنی کودکان شش تا دوازده سال با نقص توجه و بیش فعالی. *مجله توانبخشی*، ۲۱(۳)، ۴۰۵-۳۹۰.

دوایی، مهدی، کاشانی وحید، لیلا. و آجرلو، الهام. (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش حل مسئله خلاقانه بر مدیریت هیجان و تاب آوری مادران دانش آموزان سرآمد. *تازه های علوم شناختی*، ۲۳(۱)، ۱۱۵-۱۰۶.
ذوالرحیم، رقیه، آزموده، معصومه. (۱۳۹۸). تاثیر بازی درمانی شناختی - رفتاری بر اضطراب اجتماعی و رفتارهای پرخاشگرانه کودکان دبستانی. *نشریه سلامت روان کودک*، ۶(۴)، ۲۴۰-۲۳۱.

خسروجواید، مهناز، اصلی پور، عادل، ابراهیمی، طاهره. (۱۳۹۸). تاثیر بازی درمانی گروهی بر رفتارهای پرخاشگرانه و مهارت های اجتماعی کودکان پیش دبستانی، *نشریه سلامت روان کودک*، ۶(۲)، ۵۲-۴۰.
شکوهی یکتا، محسن، اکبری زردخانه، سعید. و سید حسن طهرانی، محمد. (۱۳۹۷). تأثیر آموزش مبتنی بر روش حل مسئله بر سبک های فرزندپروری والدین نوجوانان. *فصلنامه روانشناسی تحلیلی شناختی*، ۹(۳۳)، ۸۲-۷۱.

صیدی، مریم، افروز، غلامعلی، کاشانی وحید، لیلا، ارجمند نیا، علی اکبر. و کاکابرای، کیوان. (۱۴۰۱). اثربخشی برنامه آموزش حل مسئله بر گستره توجه دانش آموزان با نشانگان داون. *فصلنامه سلامت روان کودک*، ۹(۲)، ۴۹-۳۶.

طیاری کلجاهی، بهرنگ، پناه، امیر. و آزموده، معصومه. (۱۴۰۱). تأثیر آموزش حل مسئله بر کیفیت زندگی و مسئولیت پذیری دانشجویان علوم پزشکی. *تصویر سلامت*، ۱۳(۳)، ۲۸۵-۲۷۲.
کافی، حکیمه. و منظری توکلی، وحید. (۱۴۰۰). اثربخشی یوگادرمانی بر تنظیم هیجانی و پرخاشگری کودکان دبستانی. *روان پرستاری*، ۹(۱)، ۱۸-۱۱.

کاکابرای، کیوان، افروز، غلامعلی. و صیدی، مریم. (۱۴۰۱). اثربخشی برنامه حل مسئله خانواده- محور بر تنظیم هیجان مادران دانش آموزان دارای اختلال اوتیسم. *فصلنامه علمی- پژوهشی خانواده و پژوهش*، ۱۹(۴)، ۲۲-۷.

مکرم، فاطمه، کاظمی، رضا، نکویی، سمیه. (۱۴۰۰). مقایسه اثربخشی آموزش مهارت های هیجانی- اجتماعی و آموزش حل مسئله اجتماعی بر شایستگی اجتماعی دانش آموزان دختر تک والد دوره دوم متوسطه. *علوم روانشناختی*، ۲۰(۱۰۵)، ۱۶۶۶-۱۶۵۱.

نوروزیان، جواد، و طاهر، محبوبه. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله بر رفتارهای پرخطر، تنظیم هیجان‌ها و سازش یافتگی نوجوانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، دانشکده علوم انسانی.

یعقوبی دوست، محمود، و عنایت، حلیمه. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با خشونت خانگی نسبت به فرزندان در شهر اهواز. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۱۲ (۸)، ۶۱-۷۸.

یکانی زاد، امیر، و سلیمان نژاد، اکبر. (۱۴۰۲). اثربخشی آموزش مهارت‌های حل مسئله بر راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و خودتنظیمی دانش‌آموزان. فصلنامه مهارت‌های روانشناسی تربیتی، ۱۴ (۱).
یوسفی، فیروزه،، بختیارپور، سعید،، مکنونی، بهنام، و نادری، فرح. (۱۴۰۰). مقایسه استحکام روانی، انعطاف‌پذیری شناختی و سلامت روانی در مادران کودکان استثنایی با استرس والدگری بالا و پایین. مطالعات ناتوانی، ۱۱ (۱)، ۸-۱۱.

Bodden, D. H. M., & Matthijssen, D. (2021). A pilot study examining the effect of acceptance and commitment therapy as parent counseling. *Journal of Child and Family Studies*, 30(4), 978–988.

EL-Hie, H., Osman, Z., & Rabei, S. (2022). The Effect of Problem-Solving Skills Training Program on Behavioral Problems among Children with Conduct Disorder. *Helwan International Journal for Nursing Research and Practice*, 1 (2), 60- 71.

English, T., & Eldesouky, L. (2020). We're not alone: Understanding the social consequences of intrinsic emotion regulation. *Emotion*, 20(1), 43–47

Fidan, B., & Bulut Serin, N. (2021). An examination of the relationship between anger, aggression, and problem-solving skills in secondary school students. *Turkish Psychological Counseling and Guidance Journal*, 11(63), 577-590.

Funderburk, J. S., Dollar, K. M., King, P. R., Pomerantz, A. S., Bernstein, L., Aspnes, A., Tenhula, W., & Wray, L. O. (2021). Problem-solving training for VA integrated primary care providers: Real-world outcomes. *Professional Psychology: Research and Practice*, 52(1), 58–66

Gallarín, M., Torres-Gomez, B., & Alonso-Arbiol, I. (2021). Aggressiveness in Adopted and Non-Adopted Teens: The Role of Parenting, Attachment Security, and Gender. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18, 20-34.

Güss, C. D., & Starker, U. (2023). The Influence of Emotion and Emotion Regulation on Complex Problem-Solving Performance. *Systems*, 11(6), 276

Gutiérrez-Cobo, M. J., Megías-Robles, A., Gómez-Leal, R., Cabello, R., & Fernández-Berrocal, P. (2023). Emotion regulation strategies and aggression in youngsters: The mediating role of negative affect. *Heliyon*, 9(3), e14048

Hambrick, D. Z., Burgoyne, A. P., & Altmann, E. M. (2020). *Problem-solving and intelligence*. In R. J. Sternberg (Ed.), *The Cambridge handbook of intelligence* (pp. 553–579). Cambridge University Press.

Hamid, Z., & Ahmad Shah, Sh. (2018). Exploratory study of perceived parenting style and perceived stress among adolescents. *International journal of academic research in education and review*, 4 (6), 174- 181.

Imran, S., & Aziz, F. (2019). Secondary School Students' Perceived Parenting Style and Students Emotional Reactivity. *Journal of Research and Reflections in Education*, 12 (2), 252- 264.

Kho, C., Main, A., & Rote, W. M. (2022). Maternal psychological control and mother–adolescent conflict discussion quality: Different perceptions are key. *Journal of Family Psychology*, 36(6), 896–906.

Krause, K. R., Courtney, D. B., Chan, B. W. C., Bonato, S., Aitken, M., Relihan, J., Prebeg, M., Darnay, K., Hawke, L. D., Watson, P., & Szatmari, P. (2021). Problem-solving training as an active ingredient of treatment for youth depression: A scoping review and exploratory meta-analysis. *BMC Psychiatry*, 21, Article 397

Lau, E. Y. H., & Williams, K. (2022). Emotional regulation in mothers and fathers and relations to aggression in Hong Kong preschool children. *Child Psychiatry and Human Development*, 53(4), 797–807.

Lestari, T., & Qowi, H., Kusbiantoro, D., & Harmiardi, S. (2022). Correlation between parental verbal violence behaviour and the aggressiveness of adolescents. *Gaceta médica de Caracas*. 130. S1119-S1125.

Lin, X., Yang, W., Xie, W., & Li, H. (2023). The integrative role of science problem-solving skills on parenting styles and parental involvement in young children. *Front. Psychology*, (14), 10-23.

Lorijn, S. J., Engels, M. C., Huisman, M., & Veenstra, R. (2022). Long-term effects of acceptance and rejection by parents and peers on educational attainment: A study from pre-adolescence to early adulthood. *Journal of Youth and Adolescence*, 51(3), 540–555.

Mohamed, H., & Abo Elkiat, M. (2020). Problem-solving skills and its relationship to parenting styles among adolescents. *International Journal of Advanced Psychiatric Nursing*, 2(2), 49-55

Rohner, R. P., & Khaleque, A. (2018). Testing central postulates of parental acceptance- rejection theory (PARTheory): A meta-analysis of cross cultural studies. *Journal of Family Theory and Review*, 1, 61-96.

Rohner, R. P., & Melendez-Rhodes, T. (2019). Perceived parental acceptance—rejection mediates or moderates the relation between corporal punishment and psychological adjustment: Comment on Gershoff et al. (2018). *American Psychologist*, 74(4), 500–502

Rosenkrantz, D. E., Rostosky, S. S., Toland, M. D., & Dueber, D. M. (2020). *Parental Acceptance Scale (PAS)* [Database record]. APA PsycTests.

Southward, M. W., Sauer-Zavala, S., & Cheavens, J. S. (2021). Specifying the mechanisms and targets of emotion regulation: A translational framework from affective science to psychological treatment. *Clinical Psychology: Science and Practice*, 28(2), 168–182

Thompson, R. A. (2017). Emotion regulation: A theme in search of definition. *Monographs of the society for research in child development*, 59 (2- 3), 25-52.

Yuan, H. B., Williams, B. A., Fang, J. B., & Pang, D. (2019). The relationship between self-directed learning readiness and problem solving in Chinese baccalaureate nursing student. *Nurse Educ Today*, 32(4), 427-31.

Zeringue, M. M., Erath, S. A., & El-Sheikh, M. (2021). Exposure to peer aggression and adolescent sleep problems: Moderation by parental acceptance. *Journal of Family Psychology*, 35(7), 897–905.

Zhang, Y., Chen, Ch., Teng, Zh., & Guo, Ch. (2021). Parenting Style and Cyber-Aggression in Chinese Youth: The Role of Moral Disengagement and Moral Identity. *Front. Psychol*, (19), 1-8

Zhu, Q., Cheong, Y., Wang, C., & Tong, J. (2021). The impact of maternal and paternal parenting styles and parental involvement on chinese adolescents' academic engagement and burnout. *Current Psychology: A Journal for Diverse Perspectives on Diverse Psychological Issues*. Advance online publication.

Evaluating the effectiveness of problem-based learning on parental adaptation, parenting styles, and emotional regulation in mothers with aggressive young children

Shahrbanoo Dehrouyeh,^۱ Sara Tollabian,^۲ Seyede solaleh Mirian akendi^۳

Abstract

The purpose of the present study was to investigate the effectiveness of problem-solving training on cognitive regulation of emotion, parenting styles, and parental acceptance among mothers of aggressive children. This research was conducted using a quasi-experimental method with pre-test - post-test and a control group. The statistical population consisted of all mothers of pre-primary school children in Babolsar who have aggressive behavior according to the preschool aggression questionnaire by Vahidi and colleagues (2008). In this study, the number of sample individuals for each of the experimental and control groups was 17, and a total of 32 individuals were selected according to the research design (quasi-experimental) from volunteers based on inclusion and exclusion criteria and were randomly assigned to the two groups. For data collection, questionnaires on cognitive regulation of emotion by Gross and John (2003), parenting styles by Baumrind (1991), parental acceptance by Porter (1954), and aggression by Vahidi and colleagues (2008) were used. Problem-solving training was conducted by Zafari and colleagues (2022) in 8 sessions of 60 minutes each. The results of the data analysis showed that problem-solving training has an effect of 0.31 units on cognitive regulation of emotion in mothers of aggressive children ($p < 0.01$), and this training method has an effect of 0.25 units on reducing the level of suppression in mothers of aggressive children. Furthermore, problem-solving training affects the parenting styles of mothers of aggressive children by 0.28 units ($p < 0.05$). Finally, problem-solving training improves the level of parental acceptance in mothers of aggressive children by 0.32 units ($p < 0.01$).

Keywords: Problem-solving training, parental adaptation, parenting styles, emotional regulation, aggressive children

¹ Assistant Prof., Dept. of Psychology, Adib Mazandaran Institute of higher education ,Sari, Iran

² Master of Science in Psychology, Mazandaran Adib Institute of Higher Education, Sari, Iran

³ Department of Psychology Sari branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.